

۹۱ / ۷ / ۲۳

جلسه ۱۸

حقیقت و مجاز

یکشنبه

سال سوم

اول:

تبادر

کلام مرحوم آخوند در مورد «تبادر»

نشانه **حقیقی** بودن معنای لفظ ← **تبادر** معنی از لفظ + بدون هیچ قرینه

علت : اگر وضع نبود، این معنی از لفظ متبادر نمی شد.

کلام مرحوم خوبی در مورد «تبادر»

چنین تبادری به کشف **انّی** کاشف از وضع است

دلالت لفظ بر معنی:

یا ناشی از **علقه ذاتیه** (= باطل) یا ناشی از **دلالت جعلی** (= صحیح)

دلالت جعلی: یا ناشی از **وضع** است یا **قرینه**

و چون مفروض عدم وجود قرینه است، پس ناشی از وضع است

شرط تبادر: از نفس لفظ باشد و نه به کمک قرینه خارجی

ما می‌گوییم :

علقه حاصله بین لفظ و معنی : یا **ذاتی** است، یا **وضعی** و یا در اثر **کثرت استعمال** لذا حقیقت اعم است از استعمال لفظ در **موضوع له** و در فی **معنی الموضوع له**

اگر کسی وضع تعینی را قبول داشت ← کلام خوبی صحیح است
و اگر قبول نداشت ← کلام امام صحیح است

اشکال در کلام مرحوم خوئی :

در برهان آئی علم به معلول باعث می شود علم به علت پیدا کنیم.
حال تبادل معلول علم به وضع است و نه معلول وضع

اشکال و جواب مرحوم آخوند در مورد تبادر (۱)

اشکال دور:

چگونه تبادر علامت است در حالیکه اگر علم به وضع نداشته باشی، معنا متبادر نمی شود.

پس:

اگر علم به وضع متوقف بر تبادر باشد، تبادر هم متوقف بر علم به وضع است، پس دور است

اشکال و جواب مرحوم آخوند در مورد تبادر (۲)

تبادر یا تبادر عند العالم است و یا تبادر عند اهل المحاوره

در فرض اول:

علم تفصیلی ← موقوف بر تبادر است

تبادر ← موقوف بر علم اجمالی است

در فرض دوم:

علم جاهل ← موقوف بر تبادر عند العالم است

تبادر عند العالم ← موقوف بر علم عالم

سه معنا برای «علم اجمالی»

۱. علم بسیط (در مقابل علم مرکب)

۲. علم اجمالی مورد بحث در اصول (مرکب از علم و جهل)

۳. علم اجمالی مورد بحث در فلسفه (اجمال فوق تفصیل)

دو تقریر دیگر از اشکال دور در بحث «تبادر»

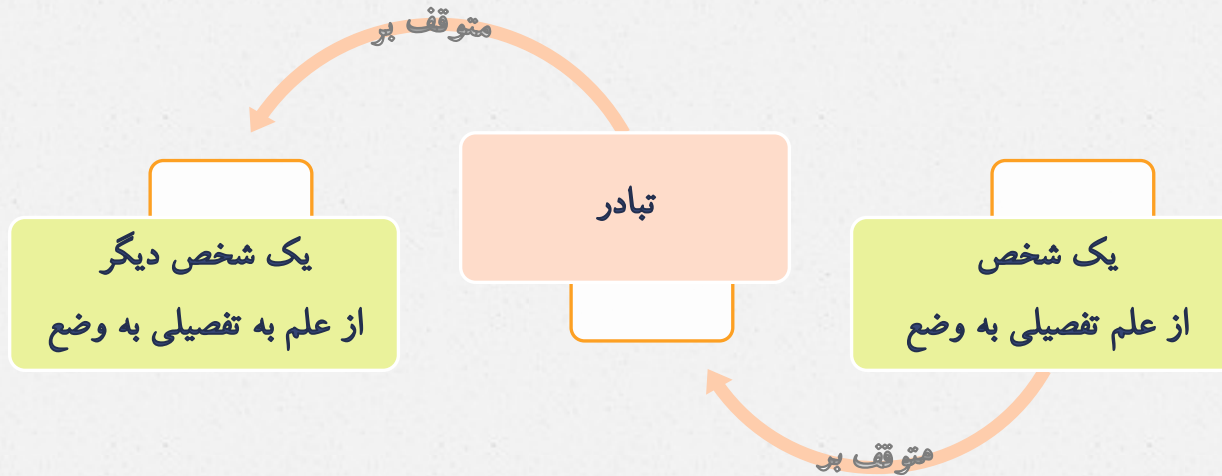
۱. لزوم لغویت

اگر علم به وضع داریم، تبادر حاصل می شود
لذا لغو است با تبادر بخواهیم به دنبال علم به وضع باشیم

۲. لزوم تحصیل حاصل

اشکال مرحوم عراقی به اشکال دور

علمی که از تبادر حاصل می شود غیر از علمی است که تبادر وابسته به آن است
چرا که: این دو علم، **دو شخص** از صورت علمیه هستند



پاسخ حضرت امام به اشکال تبادر

علم تفصیلی یعنی «مکشوف شدن تفصیلی یک شیء». معقول نیست یک شیء دو مرتبه، نزد عالم بالتفصیل مکشوف باشد!

ما دو چیز داریم :

۱. «صورت ذهنیه» = می تواند در ذهن متعدد باشد

۲. «کشف از واقع» = نمی تواند در ذهن متعدد باشد

از میان این دو آنچه متوقف علیه تبادر است، «کشف از واقع» است

اشکال بر حضرت امام

«کاشف بودن» و «صورت ذهنیه» **عین** هم هستند
اگر کاشفیت تکرار نشدنی است، صورت هم واحد است

سیر بحث در بحث تبادل

